

۱۰۱ خاطره‌های جنگی

سال ۲۰۰۶ - سارایوو

نویسنده: ژنرال راسم دلیچ
مترجم: محمداقبر بی‌پهل زاده



www.ketab.ir

انتشارات سوره مهر (وابسته به حوزه هنری)	
	دفتر ادبیات و هنر مقاومت
	۱۰۱ خاطره جنگی
	سال ۲۰۰۹ - شماره ۱
	ویراسته: راسیم دلچ
ترجمه: محمد علی بیگلراده	
ویراسته: محمد علی بیگلراده	
طراح جلد: علی...	
چاپ و صحافی: سه	
چاپ اول: ۱۳۹۵	
شمارگان: ۲۵۰۰ نسخه	
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۰۳-۰۰۴۱-۸	
فروست: دفتر ادبیات و هنر مقاومت: ۲۶ - سی و پنجمین ۵۰	
سرشناسه: دلچ، راسیم، ۱۹۴۹ - ۲۰۱۰ م.	
Delić, Rasim	
عنوان و نام پدیدآور: ۱۰۱ خاطره جنگی: سال ۲۰۰۹ - شماره ۱	
مشخصات نشر: تهران: سوره مهر، ۱۳۹۴.	
مشخصات ظاهری: ۴۴ ص.	
N: 978-600-03-0041-8	
وضعیت فهرست نویسی: فیکای مختصر	
یادداشت: فهرست نویسی کامل این اثر در نشانی: http://opac.nlai.ir	
قابل دسترسی است	
یادداشت: عنوان اصلی: 101 RATNA PRICA	
شناسه افزوده: بیگلراده، محمد علی	
شماره کتابشناسی ملی: ۳۷۸۲۲۵۶	
نشانی: تهران، خیابان حافظ، خیابان رشت، پلاک ۲۳	
صندوق پستی: ۱۵۸۱۵-۱۱۴۴	
تلفن: ۶۱۹۴۲	
سامانه پیامک: ۳۰۰۰۵۳۱۹	
تلفن مرکز بخش (پنج خط): ۶۶۴۶۰۹۹۳	
فکس: ۶۶۴۶۹۹۵۱	
www.sorehme.ir	
نقل و چاپ نوشته‌ها منوط به اجازه‌ی رسمی از ناشر است.	

مقدمه مترجم

معرفی شبه جزیره بالکان

بالکان شبه جزیره‌ای است با مساحت ۵۲۰۰۰ کیلومتر مربع که از غرب مابین دریای آدریاتیک و یونان، از جنوب مابین دریای مدیترانه، و از شرق مابین دریای اژه و دریای سیاه قرار گرفته است.

بالکان ناحیه‌ای است کوهستانی که با رودهای دانوب، ساوا، مراوا، مارتیزا، واردار، و قره‌سو احاطه شده است. در جغرافیای سیاسی به کشورهای رومانی، آلبانی، صربستان، کرواسی، بوسنی و هرزگوین، مقدونیه، بلغارستان، یونان، و ترکیه (بخش اروپایی ترکیه) اطلاق می‌شود.

بالکان در بخش شرقی و جنوبی و غربی با مرزهای آبی احاطه شده است. تعیین ویژگی‌های جغرافیایی و ملی مرزهای شمالی بالکان به علت پراکندگی اقوام دشوار است. در بخش شمالی، رودهای دانوب و ساوا قرار دارند. رودهایی که مرزهای سیاسی میان اتریش، مجارستان، و ترک‌ها محسوب می‌شدند.

نام‌های متعدد تاریخی و قومی و جغرافیایی بسیاری مانند ترکیه اروپا، ترکیه بالکان، شبه‌جزیره یونان، ترکیه، شبه‌جزیره ایلیری، شبه‌جزیره روم شرقی، و شبه‌جزیره اسلاوهای جنوبی بر بالکان نهاده شده است. بالکان در آغاز قرن نوزدهم، قبل از آمدن ترک‌ها، اروپای جنوب شرقی نام داشت و بعد از فتوحات عثمانی، ترکیه اروپایی نامیده شد.

تا شروع کنگره برلین (۱۸۷۹) بیشتر از نام ترکیه بالکان استفاده می‌شده. از ۱۸۳۰ تا ۱۸۸۰، اسامی بسیاری داشته است. «شبه‌جزیره بالکان» و «جدیدی است که اولین بار در سال ۱۸۰۸ از سوی ژوهان آگوست زهنه، جغرافی‌دان آلمانی، به کار گرفته شد.

بالکان یک شبه‌جزیره‌ای است که در بالکان مشرف به دریای مدیترانه است. «بالکان» به معنای جنوب شرقی اروپا به آسیا وصل می‌شود و دریای آدریاتیک و دریای ساه آن را در بر گرفته‌اند. اقوام، زبان‌ها، و گروه‌های مذهبی متعدد، زیر حاکمیتی خاصی را به این منطقه بخشیده است. تجزیه مسیحیت در سال ۱۰۵۴ مذهب کاتولیک و ارتدکس بالکان را همواره دستخوش تحولات کرده است.

یونانی‌ها و بلغارها و صرب‌ها در بخش جنوب شرقی، و مرکزی بالکان، ارتدکس، و کروات‌ها و اسلوونی‌ها در بخش غربی، کاتولیک‌اند. این تقسیم‌بندی، دو بخش را به دو جهان متفاوت دینی تقسیم کرد. مهم‌ترین رویداد با گسترش امپراتوری عثمانی به سراسر بالکان، که با سقوط قسطنطنیه در سال ۱۴۵۳ همراه بود، به وقوع پیوست.

اروپاییان به بالکان نه به منزله اروپا، بلکه به عنوان منطقه‌ای اروپایی-آسیایی، که دو تمدن مسیحیت و اسلام را به هم مرتبط کرده، نگاه می‌کردند. این مطلب به‌ویژه هنگامی که ترک‌ها، پانصد سال دیگر اقامت خود را تمدید کردند، صریح‌تر می‌نماید.

آشنایی با بوسنی و هرزگوین

بوسنی و هرزگوین از کشورهای حوزه بالکان است که مسلمانان زیادی را در خود جای داده و در دهه ۹۰ میلادی یکی از جنگ‌های خونین دهه‌های گذشته را پشت سر گذاشته است.

بوسنی از شمال و غرب با کرواسی، از شرق با صربستان، و از جنوب با مونته‌نگرو و دریای آدریاتیک همسایه است.

نام بوسنی از نام رود «بوسنا» که از میان این کشور می‌گذرد و ۲۷۱ کیلومتر مسافت دارد گرفته شده است؛ اما هرزگوین که بخش جنوبی این کشور را تشکیل می‌دهد ریشه در نام یکی از پادشاهان سابق این جمهوری دارد.

بوسنی و هرزگوین کشوری است عمدتاً کوهستانی که منابع طبیعی سرشاری چون دریاچه‌ها، چشمه‌های پرآب، و آب‌های معدنی متعدد دارد. حداقل ۱۴ درصد از خاک بوسنی را زمین‌های قابل کشاورزی، ۲۰ درصد مراتع طبیعی، و ۴۰ درصد جنگل‌های انبوه تشکیل می‌دهد.

بوسنی و هرزگوین پیش از این بخشی از کشور یوگسلاوی بود، اما پس از جنگ یوگسلاوی در دهه ۹۰ میلادی استقلالش را به دست آورد.

این کشور هنوز به اتحادیه اروپا نپیوسته، اما گزینه‌ای بالقوه برای پیوستن به این اتحادیه به حساب می‌آید. این کشور عضو سازمان کنفرانس اسلامی و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی است.

سیاست در بوسنی و هرزگوین

بوسنی و هرزگوین در سال ۱۹۹۲ از جمهوری فدرال یوگسلاوی

مستقل شد. در سال ۱۹۹۵ پس از امضای قرارداد صلح «دیتون»، جنگ خانمان برانداز پنج ساله در این جمهوری به پایان رسید و نسل کشی مسلمانان توسط صرب ها در این خطه پایان یافت.

علی عزت بگوینچ که طی سال های جنگ در این کشور، رهبری مسلمانان بوسنی و هرزگوین را به عهده داشت، به عنوان نخستین رئیس جمهور این کشور تا سال ۲۰۰۰ میلادی بر این جمهوری حکومت کرد. در حال حاضر ریاست جمهوری هر هشت ماه یک بار بین یک صرب، یک بوسنیایی، و یک نفر کروات در گردش است. مجلس مسلمانان، قانون گذاری در بوسنی و هرزگوین را به عهده دارد. احزاب راه راات به سنی، دموکرات، اتحاد دموکراسی کروات، و چند حزب دیگر در این کشور فعالیت سیاسی دارند.

مردم بوسنی و هرزگوین

جمعیت این کشور ۲۵۵۲۱۹۸ نفر است که میانگین سنی آنها ۳۸/۹ سال است. امید به زندگی در بدو تولد برای زنان ۸۲/۰۳ سال و برای مردان ۷۴/۵۷ سال است. کمتر از یک درصد از مردم این کشور به بیماری ایدز مبتلا هستند.

۴۸ درصد از مردم این کشور بوسنیایی، ۲۷/۱ درصد صرب، و ۱۴/۳ درصد کروات اند که از این میان ۴۰ درصد از آنها مسلمان، ۳۱ درصد ارتدکس، و ۱۵ درصد کاتولیک اند.

زبان های رایج در این کشور بوسنیایی، کروات، و صربی است. جنگ جهانی اول در پایتخت بوسنی و هرزگوین - سارایوو - و با ترور آرشیدوک فرانتس فردیناند، ولی عهد اتریش، آغاز شده بود. اعلام حاکمیت بوسنی و هرزگوین در اکتبر ۱۹۹۱ با اعلام استقلال

از یوگسلاوی سابق در ۳ مارس ۱۹۹۲ پس از یک رفتارندوم، که توسط قوم صرب تحریم شده بود، پیگیری شد.

صرب‌های بوسنی - که از جانب صربستان و مونته‌نگروی همسایه حمایت می‌شدند - به قصد تجزیه جمهوری در طول خطوط قومیتی و پیوند دادن نواحی صرب‌نشین برای تشکیل «صربستان بزرگ»، به مقاومت، مسلحانه پرداختند.

در ۱۱ نوامبر ۱۹۹۵ گروه‌های درگیر جنگ قرارداد صلح دیتون را امضا کردند که جنگ سه‌ساله داخلی بین قومیتی را متوقف کرد. (توافق‌نامه‌هایی در ۱۴ دسامبر ۱۹۹۵ در پاریس امضا شد.)

توافق صلح دیتون مرزهای بین‌المللی بوسنی و هرزگوین را باقی‌گذاشت و یک دولت مشترک، صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی را هدایت سیاست خارجی، دیپلماتیک، مالی، تقویت می‌شد.

همچنین لایه دومی از کمک‌ها، شکل‌گرفته از دو بخش تقریباً مساوی از لحاظ اندازه، در نظر گرفته شد. فدراسیون بوسنیایی/کروات بوسنی و هرزگوین و جمهوری صربی بوسنی تحت رهبری صرب‌ها (RS). دولت‌های فدراسیون (FBiH) و RS، سرکشی به اکثر اعمال دولت تقویت شدند. دفتر نمایندگان عالی‌رتبه (Orin) برای نظارت بر اجرای جنبه‌های مدنی موافقت‌نامه تأسیس شد.

در ۱۹۹۵-۱۹۹۶، یک نیروی ۶۰۰۰ نفری حافظ صلح به رهبری ناتو (IFOR) برای اعمال و نظارت بر اجرای جنبه‌های نظامی موافقت‌نامه، در بوسنی خدمت می‌کردند.

نیروی حافظ صلح ناتو با یک نیروی کوچک‌تر ایجاد پایداری به رهبری ناتو (SFOR) جایگزین شد که مأموریت آن ممانعت از تجدید دشمنی‌ها بود.

نیروهای حافظ صلح اتحادیه اروپا (EUFOR) در دسامبر ۲۰۰۴ جایگزین نیروی ایجاد پایداری ناتو شد؛ مأموریت آن‌ها حفظ صلح و پایداری در سرتاسر کشور بود و قرار بود مأموریتشان تا سال ۲۰۰۷ به پایان برسد. ایران جزء اولین کشورهایی بود که استقلال بوسنی و هرزگوین را به رسمیت شناخت و جنگ صرب‌ها علیه این جمهوری و انجام فجایع بی‌شمار آن‌ها، چون هتک حرمت زنان مسلمان، قتل عام‌های گسترده و جنایات بی‌نظیر صرب‌ها علیه زنان و مردان و کودکان بوسنیایی را به شدت محکوم کرد و آمادگی خود را برای ارسال کمک‌های انسان‌دوستانه و حمایت‌های سیاسی بین‌المللی از این کشور تازه‌استقلال اعلام کرده است.

درباره کتاب ۱۰۱ خاطره

این کتاب از زوایای جالبی به لحولات جنگ بوسنی پرداخته است. از آنجا که ژنرال راسم دلیچ خود مستقیماً در صحنه جنگ حضور داشت، کاملاً مشکلات و گرفتاری‌های آن دوران را نیز لمس کرده بود. از طرفی، خاطرات او در این کتاب ارزشمند بسیار شیوا و به زبان ساده بیان شده است تا برای خوانندگان این کتاب قابل فهم باشد.

معتقدم ژنرال راسم دلیچ از زاویه‌ای کاملاً متفاوت از شایع جنگ را بررسی و از طرفی تلاش کرده خاطراتش را به صورت زنده و پویا بیان کند؛ به گونه‌ای که پس از پایان هر خاطره ادامه ماجرا را در خاطره بعدی دنبال می‌کند. و بدین ترتیب عملاً خواننده کتاب را به خواندن همه قسمت‌های کتاب ترغیب می‌کند.

پیش از این، کتاب خاطرات علی عزت بگوینچ، اولین رئیس شورای ریاست جمهوری بوسنی و هرزگوین پس از استقلال این کشور از

یوگسلاوی سابق، را نیز ترجمه کرده بودم، اما باید اقرار کنم که ۱۰۱
خاطره راسم دلیچ برای خود من مطالب کاملاً جدیدی ارائه نمود که
این امر توسط خود دلیچ هم در این کتاب اشاره شده است. امیدوارم
خوانندگان این کتاب ضمن بهره‌برداری از مطالب آن برای شادی روح
مرحوم ژنرال راسم دلیچ فاتحه‌ای نیز بخوانند.

محمد باقر بی‌پل زاده

مقدمه نویسنده

زمان زیادی بر روی نوشتن کتابی بنویسم و در آن ماجراهای حیرت‌آوری از دوران دفاع در برابر تجاوزان را در سال‌های ۱۹۹۲-۱۹۹۵ تشریح کنم؛ البته نه آنچنان طولانی که موجب ملال خوانندگان شود. مخاطبان من هم مدافعان بوسی بودند و هم محققان؛ و از طرفی از زوایایی به تبیین حوادث جنگ پرداختم که مردم عادی کمتر به آن توجه کرده بودند. بنابراین، به تشریح رویدادهای تاریخی پرداختم که برخی شخصیت‌ها در آن نقش داشتند و لحظات کاملاً حساسی را رقم زدند؛ لحظاتی که نقاط عطف دوران جنگ به شمار می‌رفتند. برای اینکه صرفاً به حوادث تلخ یا شیرین آن دوران نپردازم، تأملی از این دو را به صورت خاطره در این کتاب گرد آورده‌ام. البته افکار عوامی بسیاری از ماجراهایی که در این کتاب آمده ناآشناست، زیرا عامه مردم کمتر در جریان همه زوایای جنگ بودند.

هریک از خاطرات این کتاب پیامی عبرت‌آموز دارد. زیرا این جنگ برای همه اهالی بوسنی، به‌ویژه بوشیناک‌ها (مسلمانان بوسنی)، لحظات سرنوشت‌سازی را رقم زده است.

من از شرح برخی خاطرات در این کتاب صرف‌نظر کرده‌ام. چون پیچیدگی‌هایی داشتند که در درازمدت بر جوانان تأثیر منفی می‌گذاشتند.

کتاب حاضر دربرگیرنده دیدگاه‌های شخصی من است و مجموعه‌ای از دیدارها و تماس‌های من با شخصیت‌های مختلف در دهه نود. به هر حال، قصد من این بود که واقعیت‌های تلخ و شیرین جنگ را به طور عینی بازگو کنم. مثلاً وقتی درباره ژنرال راتکو ملادیچ، فرمانده جنایتکار صرب‌های بوسنی، صحبت می‌کردم، تلاشم بر این بود که شخصیت و نوع تعامل او را با دیگران از زوایای مختلف تشریح کنم. او سعی می‌کرد برتری نظامی خود را به دیگران تحمیل کند. به اعتقاد من، به هم رسیدن اتفاقاتی که در زمان جنگ رخ داد، ژنرال ملادیچ منضبط و بسیار ماهر و هوشمندی در مذاکرات سرسخت بود و کوتاه نمی‌آمد. او اسیر قدرت نظامی خود بود و به افکار عمومی این‌طور القا می‌کرد که نزد مردم صرب بوسنی اعتبار زیادی دارد و در سلسله‌مراتب قدرت، پس از رادوان کاراجیچ، رتبه دوم صرب‌های بوسنی، قرار دارد. هرچند هرگز نتوانست بسیاری از افکار خود را به نیروهای بین‌المللی در بوسنی (UNPROFOR) تحمیل کند.

در این کتاب ممکن نبود از شهیدان رزمندگان بگویم و فقط به فعالیت رزمندگان شاخص اشاره کرده‌ام. من هنوز به فرماندهی ارتش بوسنی منصوب نشده بودم که بسیاری از آن‌ها جان خود را فدای وطن کرده بودند و بنابراین، من بسیاری از آن‌ها را نمی‌شناختم؛ شهدای بزرگواری که با خلوص نیت به دفاع از وطن پرداخته بودند.

در بخش‌هایی از این کتاب، نام افرادی را آوردم که صرفاً در یک منطقه شناخته‌شده حضور داشتند. مثلاً به مواردی چون شکارچیان تانک در تیپ ۱۰۸ برچکو اشاره کرده‌ام. یکی از شکارچیان تانک، به نام تاندر، قانع و کم‌حرف بود ولی در جنگ بسیار تأثیرگذار بود. رزمندگان شجاع و بی‌نام و نشان توانستند جلوی نیروهای متجاوز و مسلح دشمن

بایستند و افرادی چون تاندریچ حتی در ذهن و خاطر رئیس جمهور، علی عزت بگوینچ، نیز مانده بود، طوری که پس از جنگ هم بارها سراغ تاندریچ را می گرفت.

در این کتاب به ابعاد جهانی دفاع از بوسنی نیز پرداخته‌ام. من دوستان بوسنی، به ویژه، در کشورهای اسلامی، را فراموش نکرده‌ام، زیرا در استان ما در جهان اسلام، نقش مهمی در حمایت و کمک به بوسنی، آن هم در سخت ترین اوضاع این کشور، داشتند. خوانندگان این کتاب، با مطالعه آن، تصویری کلی از پیچیدگی های اوضاع بوسنی در سال ها ۱۹۹۱-۱۹۹۵ به دست خواهند آورد و متوجه می شوند که برای حفظ بوسنی و مسلمانان (بوشیناک ها) چه مصایب و دشواری هایی پیش رو بود است. مسئله بقا و حیات مسلمانان نیز در این کارزار مطرح بوده است.

در این کتاب کوشیده‌ام نحو بیداری و قیام و رشد و بالندگی سیاسی و نظامی بوشیناک ها را به شکلی تشریح کنم. خوانندگان کتاب کاملاً متوجه خواهند شد که جامعه جهانی چه اهدافی را دنبال می کرد. و اینکه چگونه مدعی دفاع از حقوق بشر بود ولی عملاً از متجاوزان و اعمال فاشیستی آنها حمایت می کرد این کتاب بخش هایی از آن دوران توفانی را به تصویر می کشد.

م. ر. دلیچ

زندان اشونگن (لاهاه)، ۳۰۵